



مشکل ایمنی در مدارس تهران

رئیس کمیته ایمنی شورای شهر تهران گفته است که ۲۴۰۰ مدرسه دولتی شهر تهران، مورد رصد و پایش ایمنی قرار گرفته که نتیجه آن، شناسایی ۴۰۰ هزار مورد عدم انطباق ایمنی در این مدارس بوده است؛ بر این اساس شهرداری تهران اولویت کمک به مدارس را رافع نایمنی مدارس قرار دهد. مهدی بابایی ادامه داد: «نظر به ردیف بودجه کمک به مدارس و مصوبه ایجاد سامانه برخط پایش ایمنی ساختمان های شهر تهران»، شورای اسلامی شهر تهران که در این دوره نیز اصلاحیه ای بر آن صورت گرفته است، شهرداری تهران ملزم شده تا اعتباری را که در این ردیف قرار دارد با اولویت ایمن سازی مدارس هزینه کند و در صورتی که مدرسه دارای تأییدیه ایمنی باشد، اعتبار مذکور به موارد غیر از آن اختصاص یابد.» او در ادامه گفت: «سال گذشته اداره HSE سازمان پیشگیری و مدیریت بحران در قالب مسئولیت اجتماعی، ۲۴۰۰ مدرسه دولتی شهر تهران را مورد رصد و پایش ایمنی قرار داد که نتیجه آن، شناسایی ۴۰۰ هزار مورد عدم انطباق ایمنی بود؛ این موارد نشان می دهد که باید در تخصیص اعتبارات، اولویت گذاری صورت گیرد.»



پیچیدگی های اجرای «پزشکی خانواده»

رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران با اشاره به ضرورت اجرای برنامه پزشکی خانواده در کشور گفت که هر چند این برنامه در ابتدا هزینه دارد اما طی چندسال اجرا با یک نظام ارجاع مناسب، پیشگیری و با تشخیص به موقع، می توان بار بیماری های مزمن مانند دیابت، فشار خون و بیماری هایی از این دست را کاهش داد. به گزارش ایسنا، رضا رئیس کرمی با اشاره به برنامه وزارت بهداشت برای اجرای پزشکی خانواده و تأکید رئیس جمهور و وزیر بهداشت بر آن، درباره الزامات اجرای این برنامه در کلانشهر تهران گفت: «اجرای برنامه پزشکی خانواده به معنی اعمال برخی محدودیت هاست؛ به طوری که پیش از اجرای طرح پزشکی خانواده مردم می توانند به پزشکان متخصص یا فوق تخصص در بیمارستان های دولتی مراجعه کنند اما با اجرای پزشکی خانواده باید از یک مسیر مشخص به پزشک متخصص ارجاع داده شوند.»



کمبود در بیمارستان ها به دلیل گرانی

رئیس سازمان غذا و دارو با اشاره به تغییر نرخ ارز تجهیزات پزشکی از ۴۲۰۰ تومان به ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان و بیان اینکه امسال هنوز هیچ پولی بابت تجهیزات پزشکی پرداخت نشده است، گفت: «باتوجه به افزایش قیمت ها، اگر بیمه ها و سازمان هدفمندی به تعهدات خود به موقع عمل نکنند، بیمارستان ها توان خرید نخواهند داشت و به این ترتیب عمل تجهیزات در بیمارستان ها دچار کمبود می شود.» مهدی پیرصالحی ادامه داد: «اگر در پرداخت ها از سوی سازمان هدفمندی و بیمه ها، روال شش ماه اول سال ادامه یابد، بی تردید برای نیمه دوم مشکلاتی خواهیم داشت. هر چند تلاش می کنیم با مدیریت تجهیزات باقی مانده از ارز ۴۲۰۰ تومانی و همکاری صنعت، دچار کمبود نشویم. اما در مجموع بحث قیمت مهم است و باتوجه به افزایش قیمت ها، اگر بیمه ها و هدفمندی به تعهدات خود به موقع عمل نکنند، بیمارستان ها توان خرید نخواهند داشت و به این ترتیب عمل تجهیزات در کشور موجود خواهد بود، اما در بیمارستان هادچار کمبود می شود.»

تغییر اقلیم



عکس: ستاره کاظمی، هم میهن

کم آبی و توفان های پی در پی روستاهای مرزی سیستان موجب مهاجرت چشمگیر مردم این مناطق شده است

مرزهای جنوب شرق در آستانه خالی شدن

روستاهای «دوست محمد»، «ملاعلی» و «تپه کنیز» کاملاً خالی از سکنه شده اند

درباره روستاهای خالی شده از سکنه به «هم میهن» می گوید: «یک سوم جمعیت روستای ما مهاجرت کردند. یکی از روستاهای سمت هیرمند به نام «دوست محمد» خالی از سکنه شده است. روستاهای اطراف قورقوری به نام های «ملاعلی» و «تپه کنیز» هم خالی شدند.»

هفته گذشته بود که علی اکبر پور جمشیدیان، معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور، نفس حضور مردم و مرزنشینان در همه مرزها را باعث ایجاد امنیت دانست و گفت که در سال های اخیر یک مشکل اصلی باعث شده که برخی از مرزنشینان از مناطق مرزی خارج شوند یا انگیزه کمتری برای ماندن داشته باشند و آن هم به دلیل کمبود آب است. به گفته او، آبی که از سمت افغانستان به سوی مرزهای شرقی ایران می آید، با توقف مواجه شده: «این مسئله سبب شده که انگیزه مرزنشینان برای ماندن در مناطق مرزی، کاهش یابد. البته این به معنای تخلیه مرز نیست، ولی برخی که رفاه بیشتری می خواهند، به دنبال یافتن مکان های بهتر برای زندگی هستند.»

نسیم سلطان بیگی

خبرنگار گروه جامعه

قدیم ترها مردم اش «زابل جان» صدایش می کردند اما حالا می گویند، «شانس ما این بود که از گریه تهاش به ما رسید.» خشکسالی و توفان های پی در پی، چندسالی است که مردم سیستان و بلوچستان را مجبور به مهاجرت کرده، آنها که پولی در جیب داشتند از سیستان رفتند و آنها که ماندند، فقیرترین ها هستند و زندگی سختی دارند. روستاهای مرزنشین سیستان در دوسال اخیر خالی و خالی تر شده اند. طالبان آب را به روی مردم سیستان بسته و کمبود امکانات رفاهی اولیه، زندگی را برای آنها سخت تر کرده است. مردم سیستان از دیرباز کشاورز و دامدار بودند. سرزمینی که انبار غله بود، امروز بیش از ۸۰ درصد کشاورزی اش به دلیل خشکسالی از دست رفته است. بیکاری بیداد می کند و مردم اش با مهاجرت می کنند یا کنار خیابان منتظر می مانند که به عنوان کارگر روزمزد برای کار برده شوند. امیر صیادی، یکی از ساکنان نیمروز است

نگاه روزنامه نگار



فرشید عابدی

روزنامه نگار ساکن زابل

مناقشه آبی ایران و افغانستان از سال ۱۲۵۰ ش، با تجزیه سیستان موضوعیت پیدا کرد. از آن زمان تا سال ۱۳۵۱ در ادوار مختلف، معاهده های متعددی منعقد شد، اما به دلیل زیاده خواهی طرف افغان و احداث کانال های انحراف و انتقال آب، همواره ساکنان منطقه سیستان که عمدتاً از راه کشاورزی، دامداری و صیادی ارتزاق می کردند، تنش های محلی را به کانون مناقشات دول ایران و افغانستان بَدَل می کرد.

در دوران جنگ سرد با هدف نفوذ سیاسی و اجتماعی، شاهد بیشترین سرمایه گذاری ابر قدرت های شرق و غرب در افغانستان بودیم که طی دو تا سه دهه گذشته، به تدریج تالاب بین المللی هامون را به بیابان تبدیل کرد و موجب مهاجرت گسترده اهالی سیستان شد، به نحوی که بسیاری از روستاهای منطقه خالی از سکنه شده است.

با آغاز جنگ آبی منطقه ای توسط اسرائیل علیه مصر، اردن و لبنان، این تئوری در ترکیه سپس در افغانستان اشاعه پیدا کرد. سرمایه گذاری ترکیه، قطر و چین و پیش تر سرمایه گذاری ایالات متحده در سدسازی های حوضه های آبریز هیرمند و هریرو، موجب شد که کنترل آورد رودخانه های منتهی به شرق و جنوب شرق ایران در اختیار حاکمان افغانستان قرار گیرد. بند کمال خان با هدف انحراف سیلاب رودخانه هیرمند به سمت شوره زار

جواد هراتی، مدیر گروه عدالت خواهان سیستان است و خالی شدن روستاها را به چشم دیده است: «دیگر نه کشاورزی بود، نه درآمدی بود و نه آبی. مرزها هم بسته بودند و اهالی روستا مجبور شدند برای کار در کارخانه ها به شهرهای بزرگتر مهاجرت کنند.» یونس دهمرده، پژوهشگر اجتماعی اهل سیستان هم به «هم میهن» می گوید: «در سرزمینی که مردم اش سالیان سال است با این شرایط سخت در آن زندگی می کنند حداقلی ترین کار، نجات بخشی از کشاورزی و تأمین آب شرب آنجاست.» او معتقد است، مرز می تواند بسیاری از مشکلات این منطقه را حل کند: «اما باید از رانت خواری و ویژه خواری دور شود. روستاهای مرزی که خالی از سکنه می شوند ناامنی فراگیر می شود. اهالی روستاهای مرزنشین می گویند، لب مرز سرپازی وجود ندارد: «ما آنجا مرز داریم و مرز را نگه می داریم. اگر بخواهند از آن سوی مرز یک کلوخ و سنگی بزنند، اول به سر ما می خورد و اگر ما نباشیم، از ما می گذرد و به تهران می خورد.»

مهدی ارباب هم کارگری است که به دلیل خشکسالی و توفان ها مجبور شد خانه اش را بار ماشین کند و روانه تاکستان قزوین شود. او چهار ماه پیش به تاکستان رفت که در باغ های آنجا کارگری کند: «الان احساس راحتی بیشتری دارم. اینجا هوایش خیلی خوب است و همه جا سبز است.» مهدی، متولد سیستان است و همه بستگانش در آنجا ماندند: «من از وطنم دور شدم و این مشکل بزرگی است.» امیر صیادی هم ساکن نیمروز است، شمالی ترین شهر سیستان: «چشم بیندید و باز کنید، به افغانستان می رسید. در نیمروز ما هر نقطه که چاه حفر کردیم، شور بود. شوری آن هم وحشتناک بود.»

حالا از کشاورزی در این مناطق تنها نام اش باقی مانده است. دولت ها خشکسالی سیستان را ناشی از بسته شدن آب از سوی افغانستان می دانند اما مردم سیستان می گویند «این خشکسالی غیرطبیعی است.»

اینجا همه فقط زنده اند

امیر، فرزند یک کشاورز است: «شغل ما کشاورزی، صیادی، ماهیگیری و حصیربافی بوده است. ما حصیر سنتی تالاب هامون را می بافتم. از زمانی که من چشم باز کردم، با حصیربافی سنتی سیستان بزرگ شدم. الان هم این کار را انجام می دهیم. اما می از گرگان، ساری و بابلسر می آوردند.» آبادی به آبش زنده است و خشکسالی، آبادی را از سیستان گرفته است. دوبرادر امیر در سال های اخیر مهاجرت کردند و از نیمروز رفتند. یکی به یزد و دیگری به زاهدان: «وضعیت زاهدان از سیستان بهتر است. چون آب سیستان هم به آنجا می رود و استاندار و مدیران کل در زاهدان هستند و وضعیت بهتری دارد. من هر بار به زاهدان می روم، می بینم که مجتمع های جدیدی ساخته شده اند. ما می گوئیم، آب خوردن نداریم و نمی دانیم این مجتمع ها از کجا سبز می شوند.» مسئولان محلی به مردم سیستان می گویند، نمی گذارند آنها تشنه بمانند و به هر شکلی باشد، آب خوردن را برایشان فراهم می کنند. می گویند که نمی گذارند از این مناطق بروند: «اما نه اشتغال برای ما مانده، نه کار.» در سیستان کسی «زندگی» نمی کند: «اینجا همه فقط زنده اند.»

پدر امیر ۸۲ ساله است و خشکسالی شدیدی که در دهه ۴۰ رخ داده بود را به یاد می آورد: «آن سال ها هم خیلی از مردم به ترکمن صحرا رفتند، چون دیگر چیزی برای خوردن نمانده بود. اما توفان هایی که الان هست اگر آن زمان بود، آنها هرگز نمی توانستند دوباره به سیستان برگردند.» مردم نیمروز در و پنجره ها را می بندند و کولر را خاموش می کنند، اما باز هم نمی توانند نفس بکشند: «در روستای خودمان، زمین های کشاورزی خودمان هم تبدیل به منشأ ریزگردها شده است.» در سیستان بیشتر زمین های کشاورزی در ضلع جنوب غربی خانه های روستانشینان قرار دارد: «کنار ما

مصائب سیستان و ظرفیت های عبور از بحران

به رغم ارتقای سطح بهداشت و کاهش میزان مرگ و میر نوزادان، جمعیت سیستان نسبت به سال ۵۱، حدود ۱۰۰ هزار نفر کاهش یافته است.

رویکرد هیدروپلیتیک افغانستان دارای ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و امنیتی است، از طرفی، ایران در تمام این حوزه ها ابزارهای قابل اتکایی برای مقابله دارد تا در حوزه دیپلماسی آب بتواند در برابر هژمونی افغانستان در حوزه آب مقابله کند، اما ایران از زمان انعقاد معاهده دلنا صرفاً در بُعد حقوقی، آن هم در قالب کمیساران آب ایران و افغانستان، حقیقه ایران از رودخانه هیرمند را پیگیری کرده است. در حالی که در حوزه حقوقی تاکنون از ظرفیت قطعنامه ۴۸/۱۳ شورای حقوق بشر سازمان ملل و قطعنامه ۲۶ جولای ۲۰۲۲ مجمع عمومی سازمان ملل که حقوق زیست محیطی را در دسته حقوق بشر قرار داده، بهره نبرده و حتی هیچ مطالعه جامعی برای اثرات زیست محیطی سدسازی های افغانستان انجام نداده که از این طریق، توجه جامعه جهانی را نسبت به نقض حقوق بشر توسط افغانستان جلب کند.

از آنجایی که سدسازی های افغانستان با هدف مهندسی اجتماعی در حال انجام است و از طرفی، تشدید اثرات زیست محیطی سدسازی های افغانستان در حوزه گردوغبار روی ولایت های غربی و جنوب غربی این کشور حتی ایالت بلوچستان پاکستان تأثیر منفی می گذارد. به طوری که توده های گردوغبار موجب ایجاد شش میلیون هکتار تپه ماسه ای درون جغرافیای سیاسی افغانستان شده. بنابراین با بهره گیری از ظرفیت دیپلماسی رسانه و دیپلماسی عمومی، می توان روی حاکمان افغانستان فشار آورد. در دولت سیزدهم، حکومت طالبان به صورت دوقاکتو مورد شناسایی قرار